

تحلیل ابعاد اقتصادی، اجتماعی افزایش قیمت حامل های انرژی

حسن سبحانی*

تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۵

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۶

چکیده:

هدفمند کردن یارانه ها عنوان مصوبه ای است که به دنبال تقدیم لایحه ای تحت همین نام از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی و تصویب آن در مجلس، قرار است در کشور اجرا شود. این مصوبه مبتنی بر این ادعا شکل گرفته است که چنانچه کشور به ارزان فروشی فرآورده های نفتی ادامه ندهد، می تواند متناسب با قیمت نفت خام به قیمت فوب در خلیج فارس چند ده هزار میلیارد تومان درآمد تحصیل نماید و با افزایش قیمت های ناشی از این اقدام هم، از طریق مبالغ جمع آوری شده مقابله نماید.

شیوه باز توزیع درآمدهای حاصله، تسهیمی به نسبت ۵۰، ۳۰ و ۲۰ به ترتیب بین خانوارهای ایرانی، تولیدکنندگان کالاها و خدمات و بالاخره دولت خواهد داشت. هدفمند کردن یارانه کالاهای اساسی هم در طی دوره برنامه پنجساله پنجم، همانند حامل های انرژی از اهداف مصوبه مجلس است. در این مقاله ابعاد اقتصادی و فنی و همچنین پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از اجرای مصوبه مجلس مورد بررسی قرار گرفته و در مجموع بارد مناسب و مفیدیت مصوبه، پیشنهاد شده است که از روش های ترکیبی غیر قیمتی و قیمتی برای اصلاح قیمت حامل های انرژی استفاده شود.

*دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی

۱- مقدمه

هدفمند کردن یارانه‌ها، عنوان پرجاذبه و در عین حال پراهمیتی است که در دو سال گذشته ذهنیت مسئولان کشور، اقتصاددانان و عموم مردم را به خود مشغول کرده است که در قالب لایحه‌ای به همین عنوان تقدیم مجلس شورای اسلامی شده و در آنجا نیز از طریق کمیسیونی که ویژه بررسی آن بوده مشمول تغییراتی شده و نهایتاً در جلسات مجلس شورای اسلامی نهائی گردیده است.

تحلیل و بررسی این پدیده در اقتصاد سیاسی ایران به خوبی می‌تواند نحوه تصمیم‌گیری و همچنین ذهنیت‌ها و دغدغه‌های مسئولین کشور را نشان داده و تا اندازه زیادی از آسیب‌شناسی فضائی حکایت نماید که در آن، تصمیم‌های مهم ساخته و جنبه اجرایی به خود می‌گیرند. به همین لحاظ است که در فقدان آمار و ارقام ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به دلیل عدم تولید آنها، تحلیل آن بسیار مهم و سرنوشت‌ساز به نظر می‌رسد.

از بین مجموعه مواردی که ضرورت دارد یادآوری شود آن است که مضمون ایده هدفمندی یارانه‌ها در ماده ۳ لایحه برنامه چهارم توسعه از طرف دولت وقت که با مشی اصلاحات اقتصادی شناخته می‌شد به مجلس شورای اسلامی (مجلس ششم) تقدیم شده بود و در آن مجلس هم به تصویب رسیده بود. لیکن چون قبل از آنکه مصوبات آن مجلس نهایی شود دوره چهارساله‌اش به پایان رسید، استمرار رسیدگی به مجلس هفتم محول شد و این مجلس علی‌رغم این که صرفاً به لحاظ رویکرد سیاسی با مجلس ششم متفاوت بود لیکن از قانونی کردن این ماده خودداری و لذا موضوع مسکوت ماند. دولت نهم که در شش ماه اول عمر برنامه چهارم به قدرت رسید هم، به لحاظ مشی سیاسی همسو با اکثریت مجلس هفتم بود و محققاً مستند به مدارک و رویکردها و بیانات، با آن تصمیم منجر به محذوف شدن مخالفتی نداشت. به عنوان مثال؛ در سال‌های اولیه عمر دولت، مصوبه‌ای در قالب بودجه سال ۱۳۸۶ از مجلس گذشت که بهای گازوئیل را از ۱۶۵ ریال به ۴۵۰ ریال افزایش می‌داد. (بند و تبصره ۱۳) دولت بلافاصله طی لایحه‌ای از مجلس درخواست کرد که قیمت مجدداً به ۱۶۵ ریال برگردد و این کار عملی شد. معهداً، در نیمه دوم فعالیت دولت نهم بحث هدفمندسازی یارانه‌ها از سوی دولت مطرح و نهایتاً در قالب لایحه‌ای عملیاتی شدن آن از مجلس شورای اسلامی درخواست گردید. این لایحه با ماده ۳ محذوف لایحه برنامه چهارم توسعه که پیشتر مورد اشاره واقع شد در نزدیک کردن قیمت حامل‌های انرژی به قیمت‌های رایج در خلیج فارس مشهور به قیمت فوب مشابه و در مواردی هم همچون تسری هدفمندسازی به کالاهای اساسی و همچنین نحوه توزیع منابع ناشی از آن با آن متفاوت بود

و دولت هدف از تمایل به این اقدام را اجرای عدالت و رفع تبعیض و شفاف‌سازی اقتصادی و دادن فرصت مدیریت درست اصلاح قیمت‌ها، کاهش وابستگی به نفت و افزایش فعالیت‌های عمرانی اعلام نموده است. آنچه در ارتباط با این تنوع دیدگاه جهت بکارگیری راهکاری برای مواجه شدن با پدیده یارانه‌ها در دولت نهم و بعداً دولت دهم اهمیت دارد این است که در ظرف یک دوره چهار ساله عمر یک دولت، دو رویکرد تحقیقاً در مقابل یکدیگر توسط دولت اتخاذ گردیده است و بدیهی است آثار و پیامدهای این دو رویکرد بر اقتصاد کشور نمی‌تواند کم‌اهمیت و نادیده گرفتنی باشد.

از سوی دیگر، از آنجا که منابع نسبتاً زیادی از امکانات بخصوص سوخت فسیلی کشور به گونه‌ای غیراقتصادی هزینه می‌گردد ضرورت یافتن راهکاری جهت خروج از وضعیت فعلی نیز از جمله ضرورت‌های عاجل کشور تلقی می‌گردد. لذا تبیین چگونگی تصمیم‌گیری مسئولین اقتصاد سیاسی کشور اعم از اعضاء دولت و مجلس می‌تواند در فهم نحوه سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی در کشور مؤثر و با اهمیت باشد.

۲- ترسیم وضع ادعایی موجود

مستند به قوانین بودجه سال‌های مختلف، آنچه در کشور مشمول دریافت یارانه می‌باشند کالاهای اساسی، دارو، نهاده‌های کشاورزی، سود بانکی و از این قبیل است. به عنوان مثال؛ براساس قانون بودجه سال ۱۳۸۸ میزان یارانه و اقلام مشمول آن به شرح جدول ذیل است. همانطور که ملاحظه می‌شود، در این مجموعه اقلام برای انرژی و حامل‌های آن یعنی بنزین، نفت گاز، نفت سفید، نفت کوره، گاز طبیعی، برق یارانه‌ای در نظر گرفته نشده است و حقیقت هم همین است که کشور از این بابت یارانه‌ای نمی‌پردازد. البته طی چند سال یارانه‌ای به عنوان انرژی در بودجه کل کشور به صورت درآمد هزینه و صرفاً با لحاظ اهداف حسابداری ذکر می‌گردید که بعدها حذف شد و از جمله در بودجه سال ۱۳۸۸ اثری از آن دیده نمی‌شود چنانچه این واقعیت را در کنار استدلال‌هایی بگذاریم که از طرف برخی از مسئولین کشور اعلام شده و طی آن بیان گردیده است که سه دهک از جمعیت هفتاد درصد از ۹۰ هزار میلیارد تومان یارانه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند، ملاحظه می‌نماییم که این میزان یارانه در مقایسه با میزان ۷۴۰۰ میلیارد تومانی یارانه سال ۸۸، بیانگر آن است که کشور مفهوم دیگری را هم به یارانه تعبیر نموده که هرچند از لحاظ اقتصادی تعریف یارانه را ندارد لیکن نوعی ارزان‌فروشی انرژی است که موجب عدم‌النتفع برای کشور شده است و مسئولین دولتی معتقدند؛ چنانچه انرژی مصرف داخلی را به قیمت‌های جهانی بفروشیم درآمد ناشی

جدول اعتبارات یارانه‌ها در سال ۱۳۸۸

میلیون ریال

عنوان	هزینه ای	سنگ دارایی های سر دارهای	جمع
اعتبارات یارانه‌ها	۶۵۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	۷۵۰۰۰۰۰۰
یارانه کالاهای اساسی	۳۹۰۰۰۰۰۰	-	۴۲۰۰۰۰۰۰
یارانه نهاده‌ها و عوامل تولید کشاورزی، خوراک دام و اصلاح نژاد دام روستایی	۹۰۰۰۰۰۰۰	-	۹۰۰۰۰۰۰۰
گسک بلاغوص، یارانه سود و کارمزد و اجناس سرویس‌های بهداشتی بین راهی یا اولویت سرویس‌های بهداشتی سناجد پرداخت ضرر و زیان خریدهای تضمینی، دانه روغنی	-	۲۵۰۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰
تفاوت قیمت تعیین شده و تکلیف شده کالاها و خدمات، بند (ج) ماده ۳۹ قانون برنامه چهارم توسعه	۳۶۵۰۰۰۰۰	-	۳۶۵۰۰۰۰۰
گسک بلاغوص، یارانه سود و کارمزد، وجود اداره شد تحقیقات آموزش و نظارت بر اجرای طرح‌های تولیدی و خدماتی و آموزش عالی غیر انتفاعی	-	۱۰۲۶۰۰۰۰۰۰	۱۰۲۶۰۰۰۰۰۰
وزارت بازرگانی، تنظیم بازار (از جمله سواد پروتئینی)	۵۰۰۰۰۰۰۰	-	۵۰۰۰۰۰۰۰
ایطای تعهدات خاص کالاهای اساسی دستگاههای اجرایی (تقدی)	۳۵۰۰۰۰۰۰۰	-	۳۵۰۰۰۰۰۰۰
یارانه دارو و بشر خشک و داروهای بهداشتی، متانولک و لورازاسی	۳۰۰۰۰۰۰۰۰	-	۳۰۰۰۰۰۰۰۰
پرداخت مابه‌التفاوت قیمت خرید تضمینی آب از بخش خصوصی	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	-	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
حمایت از بیماران خاص صنعب‌العلاج، سرطانی و کمک به تأمین هزینه بیماران که دچار هزینه‌های تحمل‌ن آیدیز هستند و دیه بیماران صوفیلی	۶۰۰۰۰۰۰۰	-	۶۰۰۰۰۰۰۰۰
وزارت کشور، طرح‌های توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت، موضوع جدول شماره ۱۴	۲۰۲۵۰۰۰۰۰	۲۰۲۵۰۰۰۰۰	۴۰۵۰۰۰۰۰۰
وزارت کشور، طرح‌های تکمیل مطالعات حمل و نقل و ترافیک و توسعه بپیود حمل و نقل عمومی شهرها موضوع جدول شماره ۱۵	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
وزارت نیرو، یارانه نصب اتشعلیات جدید برق	۴۰۰۰۰۰۰۰	-	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
گسک بلاغوص، یارانه سود و کارمزد تسهیلات و وجوه اداره شده برای سکن مهر	۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰۰۰
کمک به اجرای طرح‌های هادی روستایی (علاوه بر اعتبارات استانی هر این خصوص)	-	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
وزارت آموزش و پرورش، یارانه سکن فرهنگیان	-	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، یارانه داروهای بیماری‌های صنعب‌العلاج	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	-	۱۰۰۰۰۰۰۰۰

ماخذ: قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور

از آن، حسب قیمت‌های مختلف برای هر بشکه نفت سر از ارقامی درمی‌آورد که آنها نام آن را یارانه گذاشته‌اند. بدین ترتیب ادبیاتی در کشور شکل گرفته است که به نام ادبیات یارانه‌های انرژی موسوم است و همگان این ارزان‌فروشی را که از طرف دولت به پرداخت یارانه تعبیر می‌گردد باور کرده‌اند و به خصوص با توجه به حجم و اندازه بالای آن، مفتون آن هم گردیده‌اند. هفته‌نامه خبری تحلیلی وزارت امور اقتصادی و دارایی در شماره ۲۶۹، شنبه ۱۲ آبان ۱۳۸۸، تحت عنوان بررسی وضعیت یارانه‌ها در ایران (صفحات ۱۸-۲۴) یارانه حامل‌های انرژی در سال ۱۳۸۶ را مبلغ ۸۳۶۹۹۸/۵ میلیارد ریال معادل ۹۰/۷ میلیارد دلار محاسبه کرده است که اجزاء آن در جدول شماره ۲ با استفاده از همان جدول استخراج گردیده و محاسبه شده است.

همانطور که ذکر شد در ابتدای امر به نظر می‌رسد که کشور به میزان ۹۰/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ بابت حامل‌های انرژی یارانه پرداخت کرده است در حالی که در واقع اینگونه نیست و جز در مورد برق که می‌توان در خصوص آن با محاسباتی تا حدودی متفاوت، به وجود مقداری یارانه رسید در بقیه موارد یارانه‌ای وجود نداشته و صرفاً ارزان‌فروشی شده و منظور دولت هم آن است که اگر قیمت‌ها اضافه شوند، می‌توانیم به این میزان، پول دریافت نماییم، لذا هدفمندسازی یارانه‌های انرژی، در واقع هدف افزایش قیمت‌های حامل‌های انرژی را تعقیب می‌نماید.

علاوه بر این مطلب باید خاطر نشان شود که اثبات این ادعا که سه دهک از جمعیت به میزان هفتاد درصد از یارانه ۹۰ میلیارد دلاری سال ۸۶ را دریافت کرده‌اند به طور

جدول شماره ۲

یارانه حامل‌های انرژی (میلیارده ریال)	یارانه حامل‌های انرژی (میلیارده دلار)	
۱۰۵۵۹۵/۴	۱۱/۴۴	بنزین
۱۷۰۶۸۷/۸	۱۸/۵۰	نفت گاز
۵۷۱۳۰/۷	۶/۱۹	نفت کوره
۴۰۰۶۴/۶	۴/۳۳	نفت سفید
۱۳۷۹۷/۳	۱/۵۰	گاز مایع
۳۵۲۶۸۴/۷	۳۸/۲۳	گاز طبیعی
۹۷۰۳۸	۱۰/۵۱	برق
۸۳۶۹۹۸/۵	۹۰/۷۰	جمع

رسمی و اقتناعی ارائه نگردیده است و بسیار مناسب است که دولت که اطلاعات مربوط به هزینه‌های برق (کد ۰۴۵۱) و گاز (کد ۰۴۵۲) و سوخت مایع (کد ۰۴۵۳) و سوخت‌های جامد (کد ۰۴۵۴) و انواع بنزین (کد ۰۷۲۲۱۱) و گازوئیل (کد ۰۷۲۲۱۲) و گاز مصرفی اتومبیل (کد ۰۷۲۲۱۳) و انواع روغن موتور روغن ترمز و اسکاژین ضد یخ گریس و مکمل‌های سوخت (کد ۰۷۲۲۱۴) و خدمات حمل و نقل (کد ۰۷۳) به وسیله ریل و جاده و هوایی و دریایی و راه‌آبی داخلی و مختلط و ... را از سرشماری مربوط به هزینه خانوارها در اختیار دارد محاسبات خود را هم، جهت اثبات مدعای خویش منتشر نماید تا این اطمینان حاصل شود که مبنای محاسباتی توزیع یارانه‌ای (ارزش فروشی‌های) انرژی خدشه‌بردار نمی‌باشد.

۳- بررسی اجمالی مصوبه مجلس درباره هدفمندی یارانه‌ها

لایحه دولت پس از تقدیم شدن به مجلس و بررسی در کمیسیون‌های ذیربط سرانجام با تغییراتی نه کلی به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه دارای ویژگی‌هایی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

اصلاح قیمت حامل‌های انرژی از جمله تکالیف دولت دانسته شده است که باید به تدریج و تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم (سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۹) با لحاظ مواردی در تعیین قیمت صورت گیرد به گونه‌ای که مبنای تعیین قیمت، بهای تحویل روی کشتی (فوب) در خلیج فارس و درخصوص برق قیمت تمام شده آن باشد. البته علاوه بر این حکم کلی برای قیمت‌های برق و گاز طبیعی اجازه اعمال قیمت‌های ترجیحی نیز داده شده است. ضمناً علی‌رغم این ضوابط قیمت‌گذاری سال پایه را تا حدودی قانون‌گذاران تعیین کرده‌اند زیرا مصوب نموده‌اند که در سال پایه اجرای قانون، باید حداقل یکصد هزار میلیارد ریال و حداکثر دویست هزار میلیارد ریال درآمد حاصل شود و این به معنای آن است که قیمت حامل‌های انرژی باید به گونه‌ای تعیین شود که این مبالغ حاصل آید و این مقوله با تعیین قیمت تدریجی و تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم که القاء‌کننده افزایش قیمت از کم به زیاد است، می‌تواند متنافر باشد. برای میانگین قیمت آب در مصارف مختلف دریافت معادل قیمت تمام شده مصوب شده و ضمن مجاز شناخته شدن اعمال قیمت ترجیحی و پلکانی برای مصارف مختلف دولت مکلف گردیده است که قیمت تمام شده آب را با در نظر گرفتن هزینه‌های تأمین، انتقال و توزیع با رعایت بازده تعیین نماید (تبصره ۱، ماده ۳) هدفمندی یارانه‌گندم، برنج، روغن، شیر، شکر، خدمات پستی، خدمات هواپیمایی و خدمات ریلی

(مسافری) موضوع ماده ۴ می باشد.

براساس ماده ۷ مصوبه مجلس دولت مجاز است حداکثر تا پنجاه درصد خالص وجوه حاصل از اجرای قانون را در قالب پرداخت نقدی و غیرنقدی و اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی به کلید خانوارهای کشور پرداخت نماید. ملاحظه می شود که دولت مجاز به این پرداخت شده و از آن گذشته حداکثر پرداخت پنجاه درصد است اما نکته مهم و مغفول آن است که خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون لزوماً به مبلغ مندرج در تبصره ۴ ماده ۱، برنمی گردد که می گوید حداقل یکصد هزار میلیارد ریال و حداکثر دویست هزار میلیارد ریال درآمد به دست آورد زیرا وجوه حاصل از اجرای قانون ناظر به کل گردش مالی مؤلفه ها و کالاهای موضوع این قانون می باشد. سی درصد خالص وجوه هم برای پرداخت کمک های بلاعوض یا یارانه سود تسهیلات و یا وجوه اداره شده به واحدهای تولیدی خدماتی و ... در نظر گرفته شده است (ماده ۹) و ۲۰ درصد بقیه هم برای جبران آثار اجرای قانون بر اعتبارات هزینه ای و تملک دارائی های سرمایه ای لحاظ شده است (ماده ۱۲).

در مصوبه مجلس همچنین اجازه تأسیس سازمان هدفمندسازی یارانه ها برای انجام عملیات اجرایی مصوبه به دولت داده شده است تا در قالب یک شرکت دولتی مبالغ دریافتی را مصروف هزینه ها و مخارج مطرح در مصوبه مجلس بنماید. به منظور فراهم شدن زمینه مقایسه بین پیشنهادات دولت در لایحه تقدیمی به مجلس و مصوبه مجلس شورای اسلامی از این لایحه به پیوست این مقاله، متن کامل لایحه دولت به همراه مصوبه مجلس جهت بررسی تطبیقی آورده شده است.

۴- ابعاد مصوبه مجلس درباره یارانه ها

۴-۱- ابعاد اقتصادی

ابعاد اقتصادی لایحه بسیار متنوع، تأثیرگذار و در عین حال پیچیده است که به پاره ای از آنها اشاره می شود.

۴-۱-۱- ما در اقتصاد انرژی در کشور خویش چه اهدافی را دنبال می کنیم. به نظر می رسد که پاسخ به این سؤال در اوقات مختلف، متفاوت بوده است. زمانی گفته می شود که چون سوخت های فسیلی تجدیدنپذیر می باشند، لذا نباید آنها را بیهوده به مصرف برسانیم و باید هزینه واقعی فرصت استفاده از آن را بپردازیم. این پاسخ ما را به افزایش دادن قیمت ها می رساند. درآمد حاصل از این افزایش قیمت می تواند در صورتی که نفت خام را به پالایشگاه های داخلی به قیمت بالا بفروشیم درآمد دولت را و در صورتی که صرفاً قیمت

فرآورده‌ها را افزایش دهیم درآمد شرکت ملی پخش و پالایش فرآورده‌های نفتی را افزایش داده و احتمالاً سود سهام و مالیات متعلقه به آن هم اضافه شود. یعنی هم درآمد دولت و هم درآمد شرکت‌ها اضافه می‌شود. اما گاهی بیان می‌شود که شرایط به گونه‌ای است که باید مصرف فرآورده‌ها را مهار کنیم زیرا ارز برای واردات بنزین نداریم و یا اگر داریم موارد مصرف لازم‌تری در پیش پای ما است و یا به دلیل کثرت خودروها در خیابان‌های شهرها و جاده‌ها و آلوده کردن محیط زیست اصولاً امکان تردد با مشکل مواجه گردیده است در چنین صورتی ممکن است پیشنهاد افزایش قیمت‌ها را به اندازه‌ای داد که با توجه به کشش تقاضا برای فرآورده‌های مختلف کاهش مصرف آنها را متعاقب افزایش قیمت به میزانی که می‌خواهیم شاهد باشیم، مثلاً پس از محاسبات استدلال کنیم که چون می‌خواهیم ۱۴ درصد مصرف را مهار نماییم لذا باید ۸۰ درصد قیمت را افزایش دهیم.

اهداف دیگری هم می‌توانند منظور نظر قرار گیرند. در هر حال دست زدن به هر روشی دارای فواید و هزینه‌هایی است که باید با همدیگر مورد ملاحظه واقع شوند یعنی اگر افزایش قیمت را برای کسب درآمد دنبال می‌نمائیم باید به مشکلات ناشی از جابه‌جا نشدن مسافران در رفت و آمدهای شهری و بین شهری هم توجه کرد و آثار این مشکلات را بر سایر خدمات و کالاهای مرتبط بررسی نمود یا اگر هدف کاهش مصرف دنبال می‌شود باید به هزینه فرصت فرآورده‌ها، توسعه حمل و نقل عمومی برای جابه‌جا کردن مسافران و معطل نمودن امور و زندگانی مردم به خاطر عدم امکان جابه‌جایی آنان در سطح شهرهای بزرگ و کوچک و در بین روستاها اندیشید. در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها هم باید به طور مشخص به سازگاری و امکان حصول اهداف که اجرای عدالت و رفع تبعیض از طریق بالا بردن قیمت حامل‌های انرژی است پرداخت و نشان داد که چگونه می‌توان قیمت فرآورده‌ها را مثلاً پانزده برابر افزایش داد (مثلاً قیمت نفت گاز) و یا قیمت گاز را چندین برابر کرد و پول حاصل از افزایش را از مردم وصول و در بودجه دولت مصروف افزایش فعالیت عمرانی کرد و اسم آن را هم کاهش وابستگی به نفت ذکر نمود!

بدیهی است هدف کسب درآمد برای دولت و یا برای شرکت‌های دولتی بدون در نظر گرفتن صحنه‌های زندگی اجتماعی همچون خیابان‌های مملو از خودرو و یا آماده نبودن ظرفیت‌های حمل و نقل عمومی یعنی مترو و اتوبوس برای سفرهای به خصوص درون شهری نمی‌تواند موضوعیت داشته باشد و مسئولین ذیربط باید در ضمن افزایش قیمت و ایجاد تنگنا برای طبقاتی از مردم همزمان به توسعه حمل و نقل عمومی هم پرداخته باشند تا فقط نحوه و چگونگی جا به جا شدن از طریق وسایل حمل و نقل عمومی به جای خودروهای

شخصی مضیق‌ه مهم مردم شمرده شود؛ مقوله‌ای که به صورت عقلانی قابل پذیرش است. بنابراین مسئولین باید به این مهم برسند که آیا در صورت افزایش قیمت حمل و نقل عمومی بلافاصله دارای ظرفیت لازم می‌شود و اگر درآمدی حاصل گردید آیا می‌توان بدون رضایت توده‌هایی از مردم به خاطر در تنگنای غیرقابل گشوده شدن قرار گرفتن آنان، به حداکثر سرمایه‌گذاری آن منابع درآمد، برای خود آن مردم که ناراضی‌اند اهتمام نمود.

۴-۱-۲ گفته شده است که کشور باید ظرف پنج سال قیمت‌ها را به سطح کمتر از ده درصد فوب خلیج فارس برساند. سؤال این است که چرا به سطح قیمت‌های این فرآورده‌ها در خلیج فارس برساند مبنای قیمت براساس آنچه در بنادر ایران خریداری می‌شود عرضه و تقاضای جهانی برای نفت است. هم تقاضا و هم عرضه در این مهم مؤثرند. واضح است که تقاضای جهانی برای انرژی متأثر از متغیرها و پدیده‌های بسیاری است که در کشورهای مختلف می‌گذرد و از جمله آن پدیده‌ها رونق یا رکود اقتصادی نوع تکنولوژی به کار گرفته شده در خودروها که بر مصرف بنزین یا نفت گاز در سایر خودروهای سنگین مؤثر است. میزان توسعه حمل و نقل عمومی در آنها توزیع درآمد، قیمت کالاهای جایگزین و ... است. در باب عرضه هم کشورهای مختلف متأثر از ظرفیت و نوع تکنولوژی سرمایه‌گذاری می‌کنند. به عبارت دیگر، قیمت جهانی متأثر از تقاضا و عرضه جهانی است و در این مهم بدون

تردید کشورهایی که دارای تقاضای عمده‌تری برای انرژی هستند و یا آنها که در عرضه انرژی توانمندی و قابلیت دارند، مؤثرترند. تا جایی که قیمت نفت را معمولاً قیمتی کاملاً متأثر از سیاست می‌دانند زیرا کشورهای عمده صنعتی جهان از مجاری سیاسی بر قیمت‌های جهانی نفت که از مجاری عرضه و تقاضا می‌گذرد تأثیرگذاری می‌کنند. در چنین شرایطی سؤال اساسی آن است که چرا کشوری در حال توسعه همچون ایران باید قیمتی را بر مردم خویش تحمیل نماید که برآیند این همه تحولات پیچیده نه چندان متناسب و یا حتی مرتبط با اقتصاد داخلی اوست از آن گذشته مگر ما می‌دانیم که در پنج سال بعد از این قیمت‌های نفت در خلیج فارس به چه میزانی می‌رسند که می‌خواهیم از هم اکنون روندی را تدارک بینیم تا به سمت و سوی آن قیمت برویم این چه قیمت‌گذاری است که عوامل مؤثر تعیین‌کننده آن در روابط متغیرهای اقتصادی کشورهای جهان و به تحقیق در دیپلماسی ناظر به تأمین انرژی دارای قیمت مناسب و در عین حال مطمئن برای کشورهای صنعتی جهان جاخوش کرده است و ما می‌خواهیم مسائل عمده تولیدی توزیعی و حتی امنیتی خودمان را به دنباله قیمت‌های دارای نوسانات متأثر از قدرت‌هایی ببندیم که از چگونگی آنها اطلاعی نداریم و اصولاً نمی‌توانیم داشته باشیم. این اقدام به مثابه آن می‌ماند که ما عمود خیمه خودمان را از

جنس تصمیمات افراد غیرمعقول به خیمه قرار دهیم و آمادگی داشته باشیم که با اراده آنان خیمه را بر سر خویش تخریب شده بیاییم.

۱-۳- از جمله اهداف دولت‌ها از تأسیس شرکت دولتی استفاده از مزیت‌های موجود و در خصوص سرمایه‌گذاری در منابع نفتی و گازی و احتمالاً برق می‌تواند وجود انحصار طبیعی باشد به نحوی که شرایط به گونه‌ای باشد که اصولاً کسانی آمادگی سرمایه‌گذاری در این عرصه‌ها را نداشته باشند. البته در خصوص سرمایه‌گذاری دولت ایران در نفت و فرآورده‌های آن و همچنین گاز و برق باید به تاریخ این فعالیت‌ها و شرایط ویژه زمان سرمایه‌گذاری هم اندیشید. لیکن آنچه قابل عنایت است این مهم می‌باشد که دولتی با نیت تأمین نیازهای مردم خویش و با استفاده از امکانات و سرمایه‌های آنان مبادرت به سرمایه‌گذاری نماید و لزوماً محصولات ناشی از سرمایه‌گذاری را با قیمت‌های جهانی به آنها ارائه نکند و دلیل این عدم ارائه هم ایجاد مزیت برای تولید و مصرف و ... باشد. یعنی سرمایه‌گذاری دولتی، مقدماً می‌تواند به نیت کسب سود نباشد بلکه منویات حکومتی دیگری زمینه‌ساز و عامل شروع و مسبب استمرار این فعالیت‌ها باشند. در چنین فرضی آیا قابل تصور نیست که محصولات تولید شده به قیمتی متفاوت از قیمت‌های جهانی و (کمتر از آنها) عرضه شوند بدیهی است که این تصور قابل تصدیق است زیرا اگر قرار باشد مردم جامعه‌ای برخی از محصولات را به قیمت‌های بین‌المللی بخرند می‌توان این فرض را هم متصور شد که خودشان منابع خود را در تولید آن محصولات به کار نیندازند و از دیگران خرید آنها را ساماندهی کنند به راحتی چرا ما در شرایط خودمان در تولید برق سرمایه‌گذاری کنیم اگر امکان خرید آن به قیمت جهانی از همسایگان وجود داشته باشد و یا به راحتی قیمت جهانی گاز طبیعی در شرایط فعلی چقدر است آنچه ما به آن عامل هستیم؟ یا آنچه کشور همسایه شمالی ما به ما تحمیل می‌کند؟ و یا آنچه همین کشور به کشورهای دیگر می‌فروشد؟ ما با کدام ملاک عمل می‌کنیم در همین ارتباط بی‌مناسبت تأمل کنیم که اگر واردات برنج و گوشت و گندم از کشورهای ماورایحار برای کشور نسبت به محصولات داخلی ارزان‌تر تمام می‌شود، این چه اقدام قابل دفاعی است که ما به حمایت از کشاورزان و دامداران کشور به آنان یارانه بدهیم و اینقدر هم بر آنان منت بگذاریم. آیا ممکن نیست که این محصولات را از دیگران بخریم و وارد نماییم و سرمایه‌گذاری گزاف در احداث سد و هدایت آب و منابع خاک و ... نکنیم به راحتی چرا چنین نمی‌کنیم مگر غیر از این است که در مدیریت امور کشور عوامل بسیاری دخالت دارند که ما با لحاظ آنها به این نتیجه اجمالی رسیده‌ایم که باید اقلامی را ولو با پرداخت یارانه به خاطر رسیدن به اهداف و مقاصدی که داریم مورد حمایت قرار دهیم.

مشاهده می‌شود که در مجموعه ملاحظات مدیریت کشور باید تأمل کرد و آنگاه درخصوص پدیده‌ها به نحوی تصمیم‌گیری نمود که نقض غرض پیش نیاید. کشور ما و درواقع مردم ایران در طی دهه‌های طولانی از منابع ارزی و ریالی خویش و حتی با استقراض (در قالب عناوینی چون بیع متقابل و تأمین مالی خودگردان) که سنگینی باز پرداخت آن بر دوش آیندگان تحمیل می‌شود مبالغ فراوانی را مصروف سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز و برق و ... کرده‌اند و امیدوار بوده‌اند که این تأسیسات به صورت کارآمد مدیریت و به روز شود و بتواند در خدمت اهداف و مقاصد کشورشان که از جمله آنها رفاه مردم است، باشد. اینک جای طرح این پرسش است که این شرکت‌های انحصاری دولتی تا چه اندازه کارآمد بوده‌اند و هستند و بهره‌وری آنها چقدر است و آیا دچار سوءمدیریت در برش‌های طولی و عرضی مدیریتی خود نیستند چرا باید مردم هزینه ناکارآمدی احتمالی آنان را بپردازند و آیا مقامات ذیربط نباید به جای تأمین مطالبات این شرکت‌ها مبنی بر لزوم مداوم افزایش قیمت‌ها بر کاهش هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بهینه نیز تأکید داشته باشند.

ما توجه داریم که در سنوات قبل هم اگر به دلایلی قیمت‌ها به میزان کمی افزایش می‌یافت این شرکت‌ها هم تسهیلات دریافتی خود از بانک‌ها را بازپرداخت نمی‌کردند و درنهایت آنها را جز دیون دولت به سیستم بانکی و یا بانک مرکزی محاسبه و بعضاً عامل تورم ناشی از استقراض می‌شدند؛ تورمی که بر دوش مردم سنگینی می‌کرد ولی آنها نمی‌دانستند منشأ آن کجاست و در عین حال برخی از مقامات تصمیم‌گیر به جای آسیب‌شناسی ریشه بدهی‌های دولت به بانک مرکزی به فکر آن بودند تا از محل حساب ذخیره ارزی بدهی‌های ایجاد شده به دلیل عدم پرداخت بدهی‌های بانکی توسط برخی از این شرکت‌های دولتی را تسویه نمایند. امروز همه کسانی که درباره هدفمند کردن یارانه‌ها تحت عنوان واقعی کردن قیمت کالاهای شرکت‌های کاملاً انحصاری دولتی تصمیم‌گیری می‌کنند باید ضمن تلاش برای متقاعد کردن خویش به قیمت‌هایی که معلوم نیست شرکت‌های انحصاری آنها را بر چه مبنائی ارائه می‌کنند به تاریخچه ناکارآمدی و نوع مدیریت این شرکت‌ها به لحاظ کیفیت هم عنایت کنند و حساس باشند که نکنند به خاطر تحت‌الشعاع قرار گرفتن اصول درست مدیریت و هزینه این بار تحمیل هزینه‌های این شرکت‌ها به جای متصل شدن به منابع بانکی و نهایتاً برعهده دولت افتادن به شرحی که آمد سر از الفاظ زیبای هدفمندی یارانه‌ها برآورد یادآوری می‌کنم که هیچ‌یک از این شرکت‌ها در جریان تصویب قانون اصلاح ماده ۳ قانون برنامه چهارم توسعه و توصیه به تقدیم لایحه و استدلال برای افزایش قیمت کالاها و خدمات خویش (که به غلط به تثبیت قیمت‌ها مشهور شد در حالی که ابداً تثبیت قیمت‌ها نبود بلکه

عدم افزایش قیمت ۹ قلم کالای تولیدی شرکت‌های انحصاری دولتی برای مدت یک سال بود) مبادرت به آوردن لایحه نکردند و نشان دادند که توجهی فنی اقتصادی برای افزایش‌های مستمر و سالیانه محصولات تولیدی خویش ندارند.

۴-۲- ابعاد فنی

مسئله موضوع بحث، دارای ابعاد فنی گسترده‌ای هم می‌باشد که صرفاً به اشاره‌ای اکتفا می‌شود. به راستی چرا مصرف انرژی در کشور این همه بالاست به نحوی که در مقایسه‌ای تطبیقی با سایر کشورها، کشور ما از شدت مصرف انرژی بالایی برخوردار می‌شود آیا همه مشکل را می‌توان به حساب مصرف‌کننده نوشت و بدون عنایت به نوع محصولات و کیفیت مجوزهایی که در این ارتباط مطرح است راهکار کاهش و یا حل مشکلات را فقط از مصرف‌کننده مطالبه کرد اگر مردم برای حمایت از خودروسازان داخلی و یا به ادله دیگری خودروهای تولیدی آنها را می‌خرند و این خودروها مصرف سوخت بالایی را دارند آنان تقصیر چه کسانی را برعهده می‌گیرند. سیاست‌گذارانی که تولید خودروهای شخصی را به قیمت نادیده گرفتن ضرورت تولید خودروهای جمعی بزرگ نشانه‌گذاری کرده‌اند و الگوی حمل و نقل را به استفاده از خودروهای کوچک و شخصی معطوف کرده‌اند در این ماجرا تا چه اندازه مسئولیت داشته‌اند و آیا پاسخگو هستند؟ اگر حمل و نقل روستائیان به هر دلیلی برای بخش خصوصی مقرون به صرفه نبوده و آنان وادار شده‌اند خودرو شخصی بخرند تا بتوانند لااقل بیماران خود را به شهرها برسانند و یا نیازهای اولیه خود را از شهرها تهیه کنند و یا محصولات خود را به بازار مصرف ببرند، مقصر کیست اگر قرار بوده است مطابق قوانین مصوب طی سال‌های طولانی خودروهای فرسوده جایگزین شوند و خودروی گازسوز و دوگانه‌سوز با اولویت خودروهای حمل و نقل عمومی جایگزین شود چه کسانی باید پاسخگو باشند اگر مقرر بوده است که دولت در ایجاد جایگاه‌های گاز طبیعی فشرده با توزیع مناسب و در چارچوب یک طرح جامع اقدام کند و این مهم هنوز به سامان نرسیده باشد چه کسی کوتاهی کرده است به راستی برای توسعه حمل و نقل عمومی از طریق گسترش مترو در شهرهای بزرگ کشور تا چه اندازه پیشرفت داشته‌ایم اگر ساختمان‌هایی جواز احداث گرفته‌اند که شهرداری‌ها مجوز ساخت آنها را بدون لحاظ ملاحظات حفظ انرژی داده‌اند چه کسانی مسئول هستند مسئولیت گازرسانی به همه نقاط کشور حتی مناطق گرمسیری و عدم مقایسه تطبیقی بین هزینه‌های برق برای گرما و هزینه‌های گاز برای این مقصود برعهده چه کسانی می‌باشد منظور این است که کشور نیز برخوردار از یک راهبرد بلندمدت برای انرژی نبوده است و از

توده‌های مردم نیز نمی‌توان انتظار داشت که خودشان طراحی راهبرد و تاکتیک نمایند. نتیجه آن شده است که امروز در حالی که بهای حامل‌های انرژی در مقایسه با قیمت سایر کالاها زیاد نیست لیکن چاره کوتاه‌مدتی نیز در اختیار نمی‌باشد زیرا ساختار و نوع و الگوی زندگی جمعی و فردی مردم به نحوی شکل گرفته است که هم ارزان مصرف می‌کنند و هم نمی‌توانند کار خیلی متفاوتی کنند. چه بسا اهمیت و ضرورت رعایت این امور نیز در بررسی لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها و اتخاذ تمهیداتی برای پیگیری و نظارت بر اجرائیات مربوط به آنها کمتر از سایر ابعاد موضوع نبوده بلکه مهم‌تر و مقدم‌تر بر آنها هم بوده باشد.

۵- پیامدهای مصوبه مجلس درباره یارانه‌ها

اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به شکلی که تصویب شده است دارای پیامدها و عوارض متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در این قسمت به ذکر مختصری در خصوص هرکدام از آنها می‌پردازیم:

۵-۱- پیامدهای اقتصادی

پیامدهای اقتصادی را در قالب طبقه‌بندی ذیل مطرح می‌سازیم.

۵-۱-۱- افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی منجر به ظهور و بروز تورم از ناحیه فشار هزینه می‌شود. حامل‌های انرژی علاوه بر آنکه توسط خانوارها مصرف می‌شوند نهاد تولیدی هم هستند. برق، گاز، نفت و گاز و حتی بنزین به میزان بسیار زیادی نقش نهاده تولید را ایفا می‌کنند و هرگونه افزایش قیمتی از ناحیه آنها موجبات افزایش هزینه‌های تولید و تورم از این ناحیه را فراهم می‌سازد. کافی است در نظر گرفته شود که مشتقات ناشی از نفت خام چه تعداد زیادی هستند علاوه بر آنها گندم، برنج، شیر خشک و دارو و به عبارت دیگر، کالاهای اساسی هم مشمول هدفمندی یارانه‌ها خواهند شد. در نتیجه عوامل مهمی در جهت تولید تورم به واسطه افزایش هزینه‌ها شروع به کار می‌کند و این وضعیت به مثابه معلولی می‌ماند که علت اصلی آن بهای نفت در بازارهای جهانی است با بالا رفتن آن بالا می‌رود و متورم می‌شود و با پایین آمدن آن چندان مشخص نیست که چه اتفاقی می‌افتد زیرا حداکثر بهای مؤلفه‌های انرژی آن کاهش می‌یابند و نه لزوماً موارد دیگری که به واسطه ارتباطات طولی و عرضی با مؤلفه‌های انرژی و مشتقات نفت مشمول تورم شده‌اند. این پیامدها متصل کردن سرنوشت یک اقتصاد نفتی به درآمدهای نفت است که نه در بازار داخلی بلکه در بازار بین‌المللی رقم می‌خورد و تعیین می‌شود و تحقیقاً عنصر سیاست از عناصر تعیین‌کننده آن است.

۵-۱-۲ - افزایش قیمت‌ها درآمدی را برای دولت حاصل خواهد کرد که توزیع ۵۰ درصدی آن بین خانوارهای کشور متناسب با درآمد آنان جامعه‌ای را نشانه می‌گردد (که قاعداً جز اقشار آسیب‌پذیر فعلی و خانوارهای آسیب‌پذیر شده به واسطه هدفمند شدن، قرار می‌گیرند) و موجبات افزایش امکان خرید توسط آنان را فراهم می‌سازد و از آنجا که این مجموعه دارای نیازهای اشباع نشده فراوانی هم هستند منطقاً باید انتظار داشته باشیم که تمامی امکان مالی به دست آورده را مصروف تقاضا نموده و افزایش تقاضای کل را دامن بزنند. این امر در مقایسه با دوره قبل از هدفمندی دارای این تفاوت است که در آن مرحله لزوماً تمام پول در اختیار طبقات دیگر به تقاضا تبدیل نمی‌شد. معهداً وضعیت ناشی از افزایش تقاضای کل عرضه جامعه را در تنگنا قرار داده و تورم ناشی از فشار تقاضا را تدارک می‌نماید. این افزایش تا زمانی که علل اصلی ایجاد آن برقرار باشند و یا تا زمانی که عرضه کافی در اقتصاد فراهم نشود، استمرار می‌یابد. لیکن از آنجا که به واسطه افزایش هزینه‌های تولید (تورم ناشی از فشار هزینه) بخش عرضه با تنگنا مواجه گردیده است قاعداً عرضه کل نباید امکان پاسخگویی به تقاضای کل را داشته باشد مگر اینکه از طریق واردات جبران عرضه نامتناسب با تقاضا را بنمائیم که مبادرت به آن هم شرایط و تمهیدات و امکانات خاص خود را می‌طلبد. به تورم ناشی از این دو مقوله همه دست‌اندرکاران اجرائی و کارشناسی دولت و مجلس اعتراف کرده‌اند، منتهی در برآورد میزان آن درصدهای متفاوتی ارائه شده است که حداقل نشان از تردیدهای کارشناسی در تخمین نرخ تورم ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و حذف یارانه کالاهای اساسی و مشتقات نفتی و ... است.

۵-۱-۳ - دولت خود از بزرگترین مصرف‌کنندگان حامل‌های انرژی است و افزایش قیمت این حامل‌ها موجبات افزایش هزینه بسیار زیادی را برای دولت فراهم می‌آورد و به طور جدی این سؤال را مطرح می‌سازد که دولت به چه طریق این هزینه‌ها را تأمین مالی می‌کند. قانون مصوب مجلس بر آن است که ۲۰ درصد از منابع ناشی از افزایش قیمت را برای جبران این هزینه‌ها و همچنین سایر هزینه‌های جاری و عمرانی در اختیار دولت قرار دهد. بدون تردید این مقوله وابستگی دولت به درآمدهای نفتی را زیاد می‌کند و نسبت استفاده از درآمد نفت و مشتقات آن را در بودجه عمومی افزایش می‌دهد.

تجربه نشان می‌دهد که دولت‌ها وقتی هزینه‌ای را متقبل می‌شوند در سال‌های بعد کاهش آن را یا تجربه نمی‌کنند و یا به سختی تجربه می‌کنند (که مقوله‌ای استثنایی است) و البته آنچه متعارف است پایه قرار گرفتن آن هزینه و افزایش درصدی به عنوان جبران تورم و ... بر آن است. بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت دولت در صورتی که هدفمند کردن یارانه‌ها تصویب

و امکان استفاده ۲۰ درصد از درآمد ناشی از افزایش قیمت‌ها را به دست آورد. پایه‌های هزینه‌های جدیدی را هم مستحکم می‌کند که موضوع آنها عمدتاً بدون منطق و با استفاده از اهرم‌های سیاسی حیثیتی بوجود آمده‌اند و اینک هزینه می‌طلبند. به عبارت دیگر، هدفمند کردن یارانه‌ها مقاصد گفته شده و گفته نشده‌هایی دارد که برخی از ناگفته‌های آن تحمیل بین نسلی هزینه‌هایی است که دولت به دنبال تأمین مالی آن است.

نکته مهم دیگر آن است که هزینه‌های دولت نه تنها رسوب می‌کنند بلکه در سنوات بعدی افزایش هم می‌یابند و چطور می‌توان هزینه‌هایی را در بودجه عمومی دولت نهادی کرد که معلوم نیست درآمدهای پشتیبان تأمین آنها در سال‌های بعد چه سرنوشتی را پیدا می‌کنند اگر در سال‌های آتی قیمت نفت در بنادر صادراتی ایران کاهش یافت آیا برای تصمیم‌گیرندگان امکان کاهش مثلاً دستمزدها وجود دارد و آیا اصولاً انجام این مهم عقلانی است.

۴-۱-۵- تورم به معنی راستین کلمه یک بلیه برای اقتصاد است. تورم موجب تحت فشار قرار گرفتن صاحبان درآمدهای ثابت و کم و یا بی‌درآمدها می‌شود و البته نفع ظاهری صاحبان دارائی و درآمدهای متغیر در آن است که تورم حاکم باشد. اما در یک بیان من حیث المجموعی در این مهم که تورم به ضرر همه کسانی که در اقتصاد هستند و یا از اقتصاد کشور متأثر می‌شوند، می‌باشد. تردیدی وجود ندارد زیرا تورم با افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری امکان سرمایه‌گذاری را کم و در نتیجه به افت و یا حتی منفی شدن نرخ رشد تولید کل می‌انجامد و بدیهی است در شرایط اقتصادی همچون اقتصاد ایران بقای مشکل بیکاری از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر افت نرخ و یا کاهش سرمایه‌گذاری است. به همین دلیل هم هست که همه کسانی که به طور سیستمی و هدفمند به کلیت یک اقتصاد نظاره و آن را ارزیابی می‌کنند بر آن هستند که باید از تصمیمات تورم‌زا پرهیز شود. اقتصاد تورمی در بخش خصوصی امید به آینده سرمایه‌گذاری را بی‌فروغ می‌کند و با قرار دادن سرمایه‌گذاران در فضای نااطمینانی و بالا بردن هزینه‌های کسب اطلاعات و حتی مبادلات یا آنها را راهی سرزمین‌های ماورایحار می‌کنند تا اطمینان بیشتری را به ارمغان‌شان بیاورد و یا آنها را به سپرده‌گذاری دارایی‌ها در بانک‌های رقیب برای کسب پول و دریافت مبالغ مطمئن «سود»‌هایی که به زینت «علی‌الحساب» آراسته شده‌اند، مبدل می‌سازد. اقتصاد تورمی در بخش دولتی هم تخریب‌های اساسی می‌کند. پروژه‌های دولتی نیمه‌تمامی که به خاطر کمبود منابع دولتی امکان اتمام ندارند به طور دائم بابت تورم مابه‌التفاوت می‌گیرند ولی همچنان به پایان نمی‌رسند. به راستی دور عجیبی است. قیمت‌ها را افزایش می‌دهیم تا درآمد به دست آوریم تا به وسیله آن کار عمرانی کنیم اما چون تورم را هم بوجود آورده‌ایم درآمد اضافی مصرف پرداخت

مابه‌التفاوت هزینه‌ها می‌شود. کارها بعضاً به پایان نمی‌رسند اما امیدها در جریان تورم و کاهش سرمایه‌گذاری و عدم بوجود آمدن ظرفیت‌های اشتغال به پایان می‌رسند.

۵-۲- پیامدهای اجتماعی

پیامدهای هدفمند کردن یارانه‌ها به لحاظ وجود لایه‌های متنوع و متفاوت در میان مدت مشخص‌تر و واضح‌تر خود را می‌نماید معهدا می‌توان به عنوان نمونه به مواردی از آن اشاره کرد.

۵-۲-۱- دوران تورمی و کاهش تولیدات که می‌تواند سر از رکود تورمی هم برآورد صاحبان درآمدهای متغیر و همچنین دارائی‌ها را ثروتمندتر می‌سازد. برای تبیین این مهم کافی است توجه شود که خودروهای مورد استفاده دهک‌های بالای درآمدی معمولاً از انواعی هستند که بنزین کمتری را مصرف می‌کنند و لذا افزایش قیمت درخصوص آنها خیلی محسوس و معنی‌دار نیست اما اگر در نظر بگیریم که حتی در خیابان‌های شمالی شهرها نوع متوسط ماشین‌های مورد استفاده خودروهایی هستند که با در نظر گرفتن قیمت‌ها ایشان خود رو متوسط تلقی می‌شوند در آن صورت می‌توان پی برد که حجم وسیعی از کسانی که باید قیمت‌های افزایش یافته را تحمل کنند باز هم همان طبقاتی هستند که احتمالاً مشمول دریافت یارانه‌های دولتی هم خواهند شد. درست است که ما با در اختیار قرار دادن حتی یک قطره از حامل‌های انرژی به صورت ارزان جهت استفاده صاحبان ثروت و مکنت مخالفیم و این معنی را بر نمی‌تابیم که آنها با گازوئیل ارزان قیمت، آب استخرهای خود را در زمستان و تابستان گرم کنند، لیکن باید توجه داشت که اقتصاد عرصه مبادله منافع و هزینه‌هاست. هر اقدامی دارای منافع و هزینه‌هایی است. عرضه ارزان فرآورده‌های نفتی منافی برای میلیون‌ها انسان در بر دارد و البته ثروتمندان هم جز این مجموعه هستند. در عین حال، افزایش قیمت‌ها هم هزینه‌هایی برای میلیون‌ها انسان مصرف‌کننده دارد که ثروتمندان هم در آن مجموعه قرار می‌گیرند اما باید منافع دریغ شده از ثروتمندان به خاطر افزایش قیمت‌ها را، با هزینه‌های تحمیل شده بر غیر ثروتمندان از همین بابت مورد مقایسه قرار داد و آنگاه تصمیم‌گیری کرد. این امر که چون درصد بسیار کمی، از منافع سوخت ارزان منتفع می‌شوند پس باید بدون ملاحظه سایر متغیرها قیمت حامل‌های انرژی را اضافه کرد استدلال اقتصادی نیست و یا حداقل استدلال کافی و متقن برای تصمیم‌گیری نمی‌باشد. هرچند برای تهییج احساسات و عواطف کسانی سودمند است لیکن مسائل زندگی ده‌ها میلیون انسان را نمی‌توان با شدت و ضعف انگیخته شدن احساسات تنظیم نمود.

از سوی دیگر، شناخت طبقات بالای درآمدی این نکته را یادآور می‌شود که آنان به لحاظ داشتن مالکیت و اشتغال در تولید و تجارت امکان افزایش و انتقال هزینه‌های تحمیل شده بر خود را به دیگران دارند و شرایط را در اقتصادی که تولید کمتر از تقاضا دارد، به گونه‌ای رقم می‌زنند که اصولاً آنچه بابت افزایش بهای سوخت مصرفی خود می‌پردازند در مقایسه با افزایش قیمتی که بر کالاهای انبوه تولید شده و یا وارد شده خود می‌نهند اصولاً قابل مقایسه و ذکر نیست.

احتمالاً برای بعضی‌ها این نکته مطرح می‌شود که به واسطه توزیع مجدد درآمدی که اتفاق می‌افتد محرومان وضع بهترین پیدا می‌کنند. پاسخ به این نکته را در مباحث قبلی متذکر و نشان داده‌ایم که افزایش نرخ تورم کاهش دهنده قدرت خرید درآمدهای مکتسبه و یا پرداخت‌های انتقالی دولت است لیکن در اینجا به مطالب دیگری هم اشاره می‌کنیم و آن هم توجه به دریافتی‌های نسبی است. ممکن است دریافتی یک خانواده تهیدست معادل درصدی افزایش یابد اما اگر شرایط اقتصادی همانطور که گفتیم به گونه‌ای رقم خورد که درآمد و ثروت خانواده‌های ثروتمند با درصد بسیار بیشتری از درصد مربوط به خانوار فقیر افزایش یافت آیا در آن صورت شکاف طبقاتی بیشتر و عمق فاصله بین فقیر و غنی افزون‌تر نشده است! علاوه بر این باید عنایت داشت که شکاف طبقاتی معمولاً زمینه‌ساز مفاسد و انحرافات اجتماعی است. بر این مقوله جامعه‌شناسان گواهی داده و حتی تئوری‌هایی درخصوص انحرافات اجتماعی به واسطه فراهم آمدن همین مقوله فاصله طبقاتی ارائه کرده‌اند.

۵-۲-۲- چنانچه زمینه‌های سرمایه‌گذاری توسعه نیابد و درآمد ناشی از اشتغال کم شود و یا حتی زیاد نشود و قیمت کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی و آب و جمع‌آوری فاضلاب هم یا به قیمت تمام شده یا به قیمت‌های جاری در بنادر صادراتی ایران (مشهور به قیمت فوب خلیج فارس) برسد زمینه‌های مهاجرت از روستاها به شهرهای کوچک‌تر و از شهرهای کوچک‌تر به مراکز استان‌ها و پایتخت فراهم می‌گردد و چون مهاجران در مقاصد جدید هم لزوماً با تقاضای کار در کارخانه‌ها مواجه نمی‌شوند، لذا درآمد مطمئن و مناسبی را نمی‌توانند برای خود تدارک ببینند در نتیجه به تحقیق حاشیه‌نشینی رشد خواهد کرد و فشار به زیربناهای شهری افزایش می‌یابد. روی آوردن به مشاغل و فعالیت‌هایی در چهارراه‌ها و میداین شهری به نیت تأمین قوت لایموت شدت می‌گیرد و بر مشکلات زندگی شهری و امنیت اجتماعی می‌افزاید. جرائم امکان توسعه می‌یابند و کار دستگاه پلیس و دادگاه‌ها برای رسیدگی به جرائم ناشی از مشکلات مهاجرت معطوف به فقر و بیکاری رونق می‌گیرد. به هم ریختن تعادل زندگی مهاجران و دور ماندن آنهایی که بدون خانواده‌هایشان مهاجر شده‌اند و

آنها را در محیط‌های قبلی خود باقی گذاشته‌اند مشکلات عاطفی و ... جدیدی را هم برای مهاجران و هم برای خانواده‌های آنان ایجاد می‌کند و این عدم تعادل متناسب با شدت و ضعف فشار زندگی ناشی از اصطلاحاً تحول در اقتصاد، دارای آثار متفاوتی خواهد بود و شرایط اجتماعی ناگواری را برای جامعه دامن خواهد زد.

آنها که زندگی‌شان را در این ارتباط به هم ریخته می‌یابند و از قبال مهاجرت هم به گشایشی نرسیده‌اند دچار سرگشتگی اجتماعی شده در حالیکه روی بازگشت به شهر و روستاهای خود را ندارند در عین حال دل شادی هم در سکونت‌گاه‌های حقیر خود در حاشیه شهرها نمی‌یابند.

۵-۳- پیامدهای فرهنگی

برخی از آنچه تحت عنوان مسائل و مشکلات فرهنگی در زمره پیامدهای مصوبه هدفمندسازی یارانه‌ها محسوب می‌شود عبارتند از:

۵-۳-۱- به عنوان بخشی از مشکلات فرهنگی باید به مسائل ناشی از تهیدست شدن جامعه و گسترش فقر محتمل ناشی از چگونگی هدفمند کردن یارانه‌های کالاهای اساسی و به قیمت‌های جهانی رسیدن حامل‌های انرژی اشاره کرد. در ادبیات توسعه و همچنین در ادبیات دینی ما عمده مشکلات ناشی از فقر است. این فقر است که عامل سلب شخصیت فقیر و لذا بدتر از مرگ است. در جامعه مبتلا به فقر به تدریج زمینه‌های رخت بر بستن ایمان و انسانیت هم فراهم می‌شود چرا که فقر می‌تواند به کفر بینجامد. چه بسیار خانواده‌هایی که در اوج معصومیت به خاطر فقر از هم پاشیده شده‌اند و چه بسیار معصومیت‌های برباد رفته‌ای که در شرایط نابهنجار اقتصادی ذلت دائمی را متوجه نسل‌هایی از مبتلایان به فقر نموده‌اند. لازم نیست از جایی و از مکانی خاستگاه‌های دینی و علمی جامعه‌ای مورد یورش واقع شود. فقر می‌تواند تمام این کارها را به راحتی و به مثابه نفوذی خائنی از درون به سامان برساند و در عین حال، حساسیتی را هم نیانگیزد.

۵-۳-۲- در صورتی که مقرر شود به دهک‌هایی از جامعه ماهیانه پرداخت‌هایی به صورت نقد صورت پذیرد در واقع پذیرفته شده است که میلیون‌ها خانوار و ده‌ها میلیون انسان چشم به دست یارانه‌های نفتی زندگی جدیدی را که معلوم نیست برای چه مدت به طول می‌انجامد تجربه کنند و این در حالی است که کار، اصلی‌ترین عامل تولید ثروت است. باید توجه داشت که آنچه تحت عنوان پرداخت‌های انتقالی در بودجه دولت‌های مختلف دیده می‌شود عمدتاً پرداخت به کسانی است که امکان کار ندارند و یا کار می‌کنند و کسر

درآمد دارند لیکن اگر ما به عده بسیار زیادی از انسان‌هایی که آمادگی کار دارند لیکن سرمایه و ابزار کار ندارند مقرری ماهیانه پرداخت نماییم در واقع جوهره تولید ثروت و رونق اقتصادی را خشکانده‌ایم و نیروی کار خود را به حقوق‌بگیران دولتی ناشی از رانت نفتی گرفتار ساخته‌ایم و این به معنای اضمحلال تدریجی سرمایه انسانی است، سرمایه‌ای که امروز قبل از آنکه با نیروی بازوی خود کمک به تولید کند با اندیشه خویش نقش‌آفرینی می‌کند ممکن است این اقدام در مراحل اولیه برای کسانی که قرار است مقرری دریافت دارند خوشایند باشد ولی دیری نخواهد پایید که «توهم پولی» حقیقت خود را بر آنان نشان می‌دهد و متوجه می‌شوند که هم به کار و تلاش و دریافت مزد در قبال زحمت تولیدی خود نائل نشده‌اند و هم تمام آنچه که دریافت می‌کنند تحت الشعاع افزایش قیمت‌ها از موضوعیت قدرت خرید خارج شده است و آنها از یک طرف مبالغی اسمی را دریافت و از طرف دیگر حداکثر مصروف تهیه همان میزان کالا و خدمتی می‌کنند که قبلاً هم به آنها دسترسی داشته‌اند.

تأمل مهم در این مقوله باید آن باشد که کسب درآمد مقدماً ناشی از کار است و هر مسیر دیگری در این ارتباط قاعده نیست بلکه استثنا است.

۵-۴- پیامدهای سیاسی

نقدی کردن یارانه کالاهای اساسی با توجه به شرایط اقتصادی کشوری همچون ما دارای ابعاد سیاسی عمده‌ای نیز می‌باشد که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

۵-۴-۱- از حساس‌ترین مفاهیم بین حکومت و مردم وجود عملی اعتماد مردم به مسئولین حکومتی خویش است به نحوی که قول و فعل و تدبیر مسئولان را آنقدر از استحکام و قوت و انسجام برخوردار تلقی کنند که آنها را قبول داشته باشند و مورد اعتماد خویش قرار دهند. این مقوله تا آنجا اهمیت دارد که مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها را هم به همین عنصر کلیدی و جوهری اعتماد نسبت می‌دهند. مفهومی که از آن به «سرمایه اجتماعی» یاد می‌شود.

بدیهی است هر قدر سرمایه اجتماعی به این معنی در جامعه‌ای زیاد باشد به دلیل رابطه مستحکمی که بین ملت و حکومت برقرار است گذران هر نوع سختی و مشکلی آسان می‌شود زیرا توده‌های مردم حکومت مورد اعتماد خویش را با همه وجود یاری و با اهداف و منویات آن همراهی می‌کنند. لیکن چنانچه به هر دلیلی و از جمله اقدامات ناقض غرض‌های اساسی از تأسیس حکومت، که عمدتاً هم معطوف به بی‌حوصلگی و ساده‌انگاری و تکراری و انحصارطلبی و نقدناپذیری است مردم به مرحله‌ای برسند که احساس کنند با تصمیمات

خلق الساعه و بدون پشتوانه‌ای مواجهند که هر کدام از آنها می‌تواند در فاصله زمانی کمی، بنیان زندگی آنان را خدشه‌دار کند در آن صورت به تدریج از گستره و عمق اعتماد خویش می‌کاهند و به تدریج جامعه را با بحران افت سرمایه اجتماعی مواجه می‌سازند و بدیهی است که همین سلب و یا کاهش اعتماد بزرگ‌ترین ضربه را بر ارکان و قوام اجتماع وارد می‌کند و مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را زیر سؤال برده آن را آماده تحقق و یا پذیرش اموری می‌کند که صرفاً در غیاب سرمایه اجتماعی کافی موضوعیت می‌یابند ما به طور جدی بر آن هستیم که هدفمندی یارانه‌های موهوم انرژی و هدفمندی نا مناسب کالاهای اساسی و احتمالاً یارانه‌های بخش تولیدی می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی منجر گردید لطمات سیاسی تدارک ببیند.

۴-۲- آسیب شناسی بحران‌های شهری نشان‌دهنده آن است که هرآنچه در عمده موارد رخ داده، بنیان و شروع‌کنندگان به آشوب و تخریب، افراد غیرقابل دفاعی به لحاظ داشتن ویژگی‌های شهروند متعارف هستند لیکن حامیان و پشتیبانان قضیه را آحاد مردم و مبتلا به مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی تشکیل می‌دهند که در واکاوی شخصیت آنان بعضاً مخالفتی هم با نظام سیاسی دیده نمی‌شود. لیکن مضایق حاکم بر زندگی آنان عرصه را برایشان تنگ کرده و به انگیزه‌گشایش و اعلام مخالفتی و فریاد نارضایتی از اوضاع خویش خطاهای غیرقابل گذشتی را مرتکب گردیده‌اند.

۶- جمع‌بندی و پیشنهادات

نقد و بررسی مصوبه هدفمند کردن یارانه‌ها به معنای آن نیست که وضع موجود مصرف و قیمت حامل‌های انرژی و آب و خدمات جمع‌آوری فاضلاب قابل دفاع بوده و یا برای مدت طولانی قابل استمرار است. نقد و بررسی ما نه تنها به معنای نفی ضرورت اقدامات راهگشا نیست بلکه با نشان دادن ابعاد و پیامدهای موضوع این نکته را برملا می‌کند که تصمیم‌گیری در این خصوص نیازمند عمق و درایت و حساسیت زیادی است.

بنابراین، زیننده نیست گفته شود «کسانی که انتقاد می‌کنند خودشان پیشنهاد بدهند!» نفس نقد و بررسی باید بر موضوعاتی در این حد از اهمیت مغتنم شمرده شود اما در عین حال ما تلاش می‌کنیم پیشنهاداتی را ارائه نماییم.

۶-۱- اولین نکته قابل اعتنا آن است که با توجه به تعریف یارانه که مابه‌التفاوت قیمت تمام شده از قیمت فروش است حامل‌های انرژی در کشور ما از یارانه برخوردار نیستند. نگاهی به تراز مالی شرکت‌های تولیدکننده این حامل‌ها سود مثبت قابل اعتنایی را نشان

می دهد که بیانگر حکایت های دیگری از ماجرا می باشد معهذ اگر با دقت صحبت کنیم باید بگوییم حامل های انرژی در کشور ما به خاطر محاسبه نشدن واقعی تمام قیمت نفت خام تحویلی به پالایشگاه ها ارزان تر از زمانی تمام می شود که پول نفت خام را همانطور که به خارج از کشور می فروشیم در محاسبات وارد کنیم. این مطلب هم نکته مهمی است و هم درست می باشد. با عنایت به این مطلب اکنون این نکته قابل پرسش است که مصوبه مجلس می خواهد چه چیزی را هدفمند کند لااقل در مورد انرژی که یارانه ای وجود ندارد. دقت شود ارزان فروشی وجود دارد و لذا افزایش قیمت حامل های انرژی موضوعیت دارد و بهتر است به همان مقوله پردازیم که اراده آن را داریم. چه ضرورتی دارد واژه های خوشایند ولی موهوم را به کار بگیریم ولی به سراغ افزایش قیمت ها برویم.

۶-۲- در سنوات گذشته مصوبات نسبتاً قابل دفاعی برای سر و سامان دادن به وضعیت مصرف حامل های انرژی در کشور وجود داشته که بعید است مقدمات اجرائی آن هم به میزان کافی تدارک دیده شده باشد. در آن مصوبات شیوه های غیر قیمتی برای حل مشکل در یک دوره پنج ساله پیشنهاد گردیده است بدین معنی که با استفاده از اعتبارات و تسهیلات و صرفه جویی در مصرف سوخت در این دوره پنج ساله نسبت به گسترش و ترویج حمل و نقل عمومی و استفاده از آن اهتمام شود و آنگاه قیمت حامل های انرژی واقعی شوند. به نظر می رسد مجلس می باید صرفاً بر اجرائی شدن مفاد آن مصوبات تأکید می کرد و به مشکلات ناشی از اجرای آن قوانین در عمل اجازه طرح و بررسی برای مرتفع شدن می داد. پرداختن به سایر مواردی که به کاهش شدت انرژی کمک می کنند نیز در همین ارتباط قابل پیگیری است به نحوی که کشور پس از چند سال کار هدفمند در گسترش حمل و نقل عمومی و توسعه خطوط مترو و اتوبوسرانی این اطمینان را یابد که در صورت گران شدن قیمت سوخت و عدم امکان پرداخت بهای آن از سوی مردم و یا عدم تمایل به پرداخت آن، آنان می توانند به راحتی امور آمد و شد خویش را سروسامان دهند و از این بابت دچار مشکلات عدیده نشود.

بدیهی است در آن صورت هم می توان با استفاده از روش های قیمتی به قیمت های مناسبی که سیاست گذاری اقتصادی می طلبد، رسید و هم منابع آن را در اختیار عمران و آبادی کشور قرار داد و هم عده ای را در لیست مستحقان دریافت کننده یارانه نقدی صرف نظر از میزان درآمد هایشان قرار نداد و متوقع نکرد. آنچه در این ارتباط مهم است آن می باشد که منابع لازم برای گسترش حمل و نقل عمومی و ملزومات و تجهیزات آن فراهم شود. ما افزون بر اعتبارات دولتی و سایر تمهیدات تأکید فراوانی بر اجرای قاعده سهمیه بندی بنزین و نفت گاز و ... داریم حتی می توان با لحاظ عوامل مؤثر و دخیل در تورم به افزایش تدریجی

قیمت‌های حامل‌های انرژی متناسب با نرخ رشد توسعه ناوگان حمل و نقل پرداخت مشروط به اینکه در بخش‌های دیگر سهم عوامل دخیل در افزایش قیمت‌ها را کاهش داد تا مدیریت سطح عمومی قیمت‌ها ممکن شود و در عین حال از بابت افزایش قیمت حامل‌های انرژی که با حفظ نظام سهمیه صورت می‌گیرد منابع جدیدی که صرفاً مصروف گسترش حمل و نقل شهری و بین‌شهری می‌گردد تدارک دیده شود. بدیهی است سهمیه‌بندی مشکلات و معایبی دارد لیکن تسهیلات و منافع ناشی از آن به حدی است که امروزه عمده کسانی که قبلاً مخالف سهمیه‌بندی هم بوده‌اند بر لزوم و افزونی منافع آن نسبت به هزینه‌هایش تأکید دارند. نمایندگان مجلس باید از طریق قانون‌گذاری میزان سهمیه را تعیین و اجازه ندهند انعطاف‌پذیری در تعیین سهمیه‌ها که به تجربه سال‌های اخیر بعضاً مستظهر به تصمیمات چندان کارشناسی نبوده است از نقش مؤثر و کارآمد آن در کاهش مصرف و صرفه‌جویی ارزی و توسعه ناوگان حمل و نقل از محل منابع صرفه‌جویی شده بکاهد. منطبق حکم می‌کند حتی کسانی که مخالف سهمیه‌بندی بوده‌اند هم اینکه که بیش از دو سال از اجرای آن می‌گذرد بر اجرای درست آن تأکید نموده، اجازه ندهند راهکارهای احتمالاً مناسب دیگری که در ذهن آن‌هاست تجارب کار عمده‌ای در این ارتباط را بر باد دهد. در اینجا منافع ملی از هر منفعت دیگری لازم‌الرعایه‌تر است. ما فکر می‌کنیم در صورتی که این مقولات رعایت شود و به طور مرتب نتایج کار به اطلاع مردم برسد بدون شک نهضتی از همدلی و مشارکت مردم برای کاهش مشکلات و مسائل مرتبط با سوخت و حمل و نقل تدارک دیده می‌شود و دیری نمی‌گذرد که معضلی بزرگ با آرامش و اطمینان سروسامان می‌یابد.

۳-۶- برنامه پنجم توسعه در راه است و برای کشوری که نظام برنامه‌ای را پذیرفته است زبینه نیست که بدون ملاحظه اقتضائات ناشی از برنامه‌های در دست اجرا دست به اقداماتی بزند که بعضی ۳ از آنها به لحاظ تأثیراتی که بر جای می‌گذارند از برنامه‌ای هم، کمتر نیستند و مصوبه هدفمندسازی یارانه‌ها از جمله همین اقدامات می‌باشد. درست است که قانون‌پذیری در جامعه ما وضعیت نامناسبی دارد لیکن از قانون‌گذاران این انتظار می‌رود که لااقل بر کارکرد در چارچوب قوانین موظف تأکید بنمایند و خودشان این فرصت را فراهم نسازند که قوانین بلاموضوع شوند یا مصوبات جدیدی بدون حفظ نسبت لازم با قوانین اساسی و مادر، به پمپاژ عدم تعادل در ارکان اقتصادی و سیاسی نظام مبادرت نمایند. به نظر می‌رسد چنانچه راهکار قابل دفاعی برای مشکلات عمده (از جمله ارزان‌فروشی حامل‌های انرژی) مورد مطالعه قرار گرفته است باید آن راهکار در قالب برنامه و با حفظ انسجام و تعریف و سنجش روابط ناشی از آن با سایر متغیرهای دخیل مورد تأمل و بررسی و تصویب قرار گرفته و اجرایی شود.

پیوست:

مصوبه مجلس	لایحه دولت
<p>ماده ۱- دولت مکلف است با رعایت این قانون قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح کند: الف قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات نفت، با لحاظ کیفیت حامل‌ها و با احتساب هزینه‌های مترتب (شامل حمل و نقل، توزیع، مالیات و عوارض قانونی) به تدریج و تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کمتر از ۹۰ درصد قیمت تحویل روی کشتی (فوب) در خلیج فارس نباشد.</p> <p>تبصره- قیمت فروش نفت خام و میعانات گازی به پالایشگاه‌های داخلی ۹۵ درصد قیمت تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس تعیین می‌شود و قیمت خرید فرآورده‌ها متناسب با قیمت مذکور تعیین می‌گردد.</p> <p>ب- میانگین قیمت فروش داخلی گاز طبیعی به گونه‌ای تعیین شود که به تدریج و تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معادل حداقل ۷۵ درصد متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی پس از کسر هزینه‌های انتقال، مالیات و عوارض شود.</p> <p>تبصره - جهت تشویق سرمایه‌گذاری، قیمت خوراک واحدهای صنعتی پالایشی و پتروشیمی برای مدت حداقل ده سال پس از تصویب این قانون هر مترمکعب حداکثر ۶۵ درصد قیمت سبد صادراتی در مبدأ خلیج فارس (بدون هزینه انتقال) تعیین می‌گردد.</p> <p>ج- میانگین قیمت فروش داخلی برق به گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معادل قیمت تمام شده آن باشد.</p> <p>تبصره ۱- قیمت تمام شده برق، مجموع هزینه‌های تبدیل انرژی، انتقال و توزیع و هزینه سوخت با بازده حداقل ۳۸ درصد نیروگاه‌های کشور و رعایت استاندارد محاسبه می‌شود و هر ساله حداقل یک استاندارد محاسبه می‌شود و هر ساله حداقل یک درصد به بازده نیروگاه‌های کشور افزوده شود به طوری که تا پنج سال از زمان اجرای این قانون به بازده ۴۵ درصد برسد و همچنین تلفات شبکه‌های انتقال و توزیع تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه</p>	<p>ماده ۱- دولت مجاز است با رعایت موارد زیر قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح کند: الف قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات متناسب با قیمت فوب خلیج فارس و شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای تعیین شود که حداکثر پس از سه سال از ابلاغ این قانون، قیمت حامل‌های یاد شده کمتر از ۹۰ درصد قیمت‌های فوب خلیج فارس با احتساب هزینه‌های مترتب (شامل حمل و نقل، توزیع و مالیات و عوارض قانونی) باشد.</p> <p>تبصره ۱- قیمت فروش نفت خام به پالایشگاه‌های داخلی حداقل ۹۵ درصد قیمت فوب خلیج فارس تعیین می‌شود و قیمت فرآورده‌ها متناسب با آن تعیین می‌شود و بخش‌های غیردولتی مجاز به تجارت و فعالیت در بخش بالا دستی نفت و گاز با رعایت قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ خواهد بود.</p> <p>ب- قیمت فروش داخلی گاز طبیعی به گونه‌ای تعیین شود که ظرف سه سال پس از ابلاغ این قانون، معادل حداقل ۷۵ درصد متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی شود.</p> <p>ج- قیمت فروش داخلی برق به گونه‌ای تعیین شود که ظرف سه سال پس از ابلاغ این قانون معادل حداقل قیمت تمام شده آن باشد.</p> <p>تبصره ۲- قیمت تمام شده برق، مجموع هزینه‌های تبدیل انرژی، انتقال و توزیع و هزینه سوخت با راندمان حداقل سی و هشت درصد ۳۸ درصد نیروگاه‌های کشور و رعایت استانداردها محاسبه می‌شود و هر ساله حداقل یک درصد به راندمان نیروگاه‌های کشور افزوده شود به طوری که تا پنج سال از زمان اجراء این قانون به راندمان ۴۵ درصد برسد.</p> <p>تبصره ۳- درخصوص قیمت‌های برق و گاز طبیعی، دولت مجاز است در موارد خاص قیمت‌های ترجیحی را اعمال کند.</p>

<p>اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به ۱۴ درصد کاهش یابد. دولت مکلف است با تشکیل کار گروهی مرکب از کارشناسان دولتی و غیردولتی نسبت به رتبه‌بندی تولیدکنندگان برق از نظر بازده و توزیع‌کنندگان آن از نظر میزان تلفات، اقدام نموده و سیاست‌های تشویقی و حمایتی مناسب را اتخاذ نماید.</p> <p>تبصره ۲- در خصوص قیمت‌های برق و گاز طبیعی، دولت مجاز است در موارد خاص قیمت‌های ترجیحی را اعمال کند. شرکت‌های آب، برق و گاز موظفند در مواردی که از یک انشعاب چندین خانواده یا مشترک بهره‌برداری می‌کنند و در صورتی که امکان اضافه کردن کنتور باشد، تنها با اخذ هزینه کنتور و نصب آن نسبت به افزایش تعداد کنتورها اقدام نماید و در صورتی که امکان اضافه کردن کنتور نباشد مشترکین را به تعداد بهره‌برداران افزایش دهند.</p> <p>تبصره ۳- قیمت حامل‌های انرژی برای پس از سال پایه براساس قیمت ارز منظور شده در بودجه سالانه تعیین می‌گردد.</p> <p>تبصره ۴- قیمت‌های سال پایه اجرای این قانون به گونه‌ای تعیین گردد که برای مدت یک سال حداقل مبلغ یکصد هزار میلیارد ریال و حداکثر مبلغ دویست هزار میلیارد ریال درآمد به دست آید.</p>	
<p>ماده ۲- دولت مجاز است برای مدیریت آثار نوسان قیمت‌های بین‌المللی حامل‌های انرژی بر اقتصاد ملی، مالیات بر مصرف انرژی را متناسب با این عوامل تعیین و اخذ نموده و همچنین از طریق تعیین اخذ عوارض و یا اخذ مابه‌التفاوت و یا پرداخت یارانه اقدام نماید. وجوه حاصل از این ماده در اختیار صندوق ماده (۹) این قانون برای مصرف در امور موضوع این قانون قرار می‌گیرد.</p> <p>تبصره - مالیات موضوع بند (۲) تبصره ماده (۱۶) و عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) در تبصره (۴) ماده (۱۷) و عبارت مذکور در بند (ب) ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده حذف می‌گردد.</p>	<p>ماده ۲- دولت مجاز است برای مدیریت آثار نوسان قیمت‌های بین‌المللی حامل‌های انرژی بر اقتصاد ملی، مالیات بر مصرف انرژی را متناسب با این عوامل تعیین و اخذ نموده و همچنین از طریق تعیین اخذ عوارض و یا اخذ مابه‌التفاوت و یا پرداخت یارانه اقدام نماید. وجوه حاصل از این ماده در اختیار صندوق ماده (۹) این قانون برای مصرف در امور موضوع این قانون قرار می‌گیرد.</p> <p>تبصره - مالیات موضوع بند (۲) تبصره ماده (۱۶) و عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) در تبصره (۴) ماده (۱۷) و عبارت مذکور در بند (ب) ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده حذف می‌گردد.</p>
<p>ماده ۳- دولت مجاز است، با رعایت این قانون قیمت آب و کارمزد جمع‌آوری و دفع فاضلاب را تعیین کند.</p> <p>الف - میانگین قیمت آب برای مصارف مختلف با توجه به کیفیت و نحوه استحصال آن در کشور به گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه قانون، حداقل معادل قیمت تمام شده آن باشد.</p>	<p>ماده ۳- دولت مجاز است، با رعایت موارد زیر قیمت آب و کارمزد جمع‌آوری و دفع فاضلاب را تعیین کند: الف قیمت آب برای مصارف مختلف با توجه به کیفیت و نحوه استحصال آن در کشور به گونه‌ای تعیین شود که ظرف سه سال پس از ابلاغ این قانون، حداقل معادل قیمت تمام شده آن باشد.</p>

<p>تبصره ۱- قیمت تمام شده آب در هر یک از حوزه‌های آبریز براساس ارزش اقتصادی آن و با در نظر گرفتن هزینه‌های تأمین، انتقال و توزیع بارعایت راندمان مورد تأیید کارگروهی متشکل از وزرای امور اقتصادی و دارایی، نیرو، بازرگانی، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، کشور و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور محاسبه می‌شود.</p> <p>تبصره ۲- برای مدیریت منابع آب به علت تفاوت قیمت‌های تمام شده آب در کشور از طریق تعیین و أخذ مالیات و عوارض، اخذ ما به التفاوت و یا پرداخت یارانه از طریق صندوق موضوع ماده (۹) اقدام کند. اعمال قیمت ترجیحی برای مصارف مختلف آب مجاز خواهد بود. ب کارمزد خدمات جمع‌آوری و دفع فاضلاب در مناطق مختلف کشور توسط کارگروه موضوع تبصره (۱) این ماده تعیین می‌شود.</p>	<p>تبصره ۱- قیمت تمام شده آب در هر یک از حوزه‌های آبریز براساس ارزش اقتصادی آن و با در نظر گرفتن هزینه‌های تأمین، انتقال و توزیع بارعایت راندمان مورد تأیید کارگروهی متشکل از وزرای امور اقتصادی و دارایی، نیرو، بازرگانی، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، کشور و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور محاسبه می‌شود.</p> <p>تبصره ۲- برای مدیریت منابع آب به علت تفاوت قیمت‌های تمام شده آب در کشور از طریق تعیین و أخذ مالیات و عوارض، اخذ ما به التفاوت و یا پرداخت یارانه از طریق صندوق موضوع ماده (۹) اقدام کند. اعمال قیمت ترجیحی برای مصارف مختلف آب مجاز خواهد بود. ب کارمزد خدمات جمع‌آوری و دفع فاضلاب در مناطق مختلف کشور توسط کارگروه موضوع تبصره (۱) این ماده تعیین می‌شود.</p>
<p>ماده ۴- دولت موظف است به تدریج و تا پایان برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نسبت به هدفمند کردن یارانه گندم، برنج، روغن، شیر، شکر، خدمات پستی، خدمات هواپیمایی و خدمات ریلی (مسافری) اقدام نماید.</p> <p>تبصره - یارانه پرداختی به تولیدکنندگان بخش کشاورزی نباید در هر سال کمتر از سال قبل باشد.</p>	<p>ماده ۴- دولت مجاز است حد اکثر ظرف سه سال، قیمت سایر کالاها و خدمات اساسی و همگانی غیرحاکمیتی را معادل حداقل قیمت تمام شده تعیین کند.</p>
<p>ماده ۵ (الحاقی کمیسیون)- دولت موظف است یارانه آرد و نان را به میزانی که در لایحه بودجه سالیانه مشخص می‌شود با روش‌های مناسب در اختیار مصرف‌کنندگان متقاضی قرار دهد.</p> <p>تبصره - سرانه یارانه نان، روستائیان و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر جمعیت و اقشار آسیب‌پذیر در سایر شهرها به تشخیص دولت حداقل ۵۰ درصد بیشتر از متوسط یارانه سرانه خواهد بود.</p>	<p>ماده ۵- دولت مجاز است حداکثر تا ۶۰ درصد خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب بندهای زیر هزینه نماید:</p> <p>الف - کمک مستقیم و در قالب پرداخت نقدی و یا غیرنقدی یا واگذاری سهام از جمله سهام قابل عرضه در بورس برحسب اختیار به خانوارهای جامعه هدف.</p> <p>ب- اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی از قبیل:</p> <p>۱- گسترش و تأمین بیمه‌های اجتماعی و خدمات درمانی و تأمین و ارتقاء سلامت جامعه و پوشش دارویی و درمانی بیماران خاص صعب‌العلاج.</p> <p>۲- کمک به تأمین مسکن و اشتغال برای جامعه هدف.</p> <p>۳- توانمندسازی و اجرای برنامه‌های حمایت اجتماعی برای جامعه هدف. ج سایر امور مربوط به هدفمند کردن یارانه‌ها.</p> <p>تبصره ۱- دستورالعمل این ماده شامل چگونگی</p>

	<p>شناسایی جامعه هدف، تشکیل و به هنگام سازی پایگاه های اطلاعاتی مورد نیاز، افتتاح حساب هدفمندی سازی یارانه ها و نحوه پرداخت برای جامعه هدف و پرداخت های موضوع این ماده، ظرف یک ماه پس از ابلاغ این قانون توسط وزرای امور اقتصادی و دارایی، رفاه و تأمین اجتماعی و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تصویب و ابلاغ خواهد شد.</p> <p>تبصره ۲- شرایط و محدودیت های استفاده از حساب هدفمندی سازی یارانه ها و اعمال مدیریت دولت بر آن و شرایط برگشت وجوه در قالب آیین نامه اجرایی خواهد بود که به پیشنهاد وزراء امور اقتصادی و دارایی و رفاه و تأمین اجتماعی و معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است در چارچوب آیین نامه یاد شده حساب های مزبور به نام سرپرست خانوار یا فرد واجد شرایطی که برای اختصاص یارانه خانوار تعیین می شود، افتتاح کند.</p>
<p>ماده ۶ (الحاقی کمیسیون) دولت موظف است سیاست های تشویقی و حمایتی لازم را برای ایجاد و گسترش واحدهای تولید نان صنعتی و نیز کمک به جبران خسارت واحدهای تولید آرد و نان که در اجرای این قانون ادامه فعالیت آنها با مشکل مواجه می شود، اتخاذ نماید. آیین نامه اجرایی این ماده توسط وزارت بازرگانی و با همکاری دستگاه های ذی ربط تهیه و حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.</p>	<p>ماده ۶- دولت مجاز است حداکثر تا ۱۵ درصد خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را برای سرمایه گذاری و یا پرداخت کمک های بلاعوض و یا یارانه سود تسهیلات و یا وجوه اداره شده برای اجرای موارد زیر هزینه کند:</p> <p>الف- بهینه سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی، خدماتی و مسکونی و تشویق به صرفه جویی و رعایت الگوی مصرف که توسط دستگاه اجرایی ذی ربط معرفی می شود.</p> <p>ب- اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره وری انرژی و توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر.</p> <p>ج- جبران زیان شرکت های ارائه دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده های نفتی ناشی از اجرای این قانون د گسترش حمل و نقل عمومی.</p> <p>ه- حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی. و حمایت از تولید نان صنعتی انبوه.</p> <p>ز- حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی.</p>
	<p>ماده ۷- دریافت کنندگان مستقیم منابع موضوع مواد (۵) و (۶) این قانون که اطلاعات لازم و تغییرات آن را ارائه نمی کنند و متخلفان و</p>

ارائه‌کنندگان اطلاعات نادرست، از تمام یا بخشی از منافع اجرای این قانون محروم خواهند شد. چنانچه این اشخاص از محل این قانون منافی تحویل کرده باشند که استحقاق آن را نداشته باشند، علاوه بر استرداد اصل آن تا دو برابر به پرداخت جریمه ملزم خواهند شد و منابع حاصل به صندوق موضوع ماده (۹) این قانون واریز خواهد شد. دستورالعمل این ماده حداکثر یک ماه پس از ابلاغ این قانون توسط وزراء دادگستری و امور اقتصادی و دارایی و رفاه و تأمین اجتماعی و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تصویب و ابلاغ خواهد شد.

ماده ۸- دولت مجاز است حداکثر تا ۵۰ درصد خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب بندهای زیر هزینه نماید:

الف- یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیرنقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار نسبت به کلیه خانوارهای کشور به سرپرست خانوار پرداخت شود.

ب- اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعه هدف از قبیل:

ماده ۸- دولت مجاز است حداکثر تا ۲۵ درصد وجوه خالص حاصل از اجرای این قانون را به منظور کاهش وابستگی اعتبارات هزینه‌ای دولت به نفت و جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه کند.

۱- گسترش و تأمین بیمه اجتماعی، خدمات درمانی، تأمین و ارتقاء سلامت جامعه و پوشش دارویی و درمانی بیماران خاص و صعب‌العلاج.

۲- کمک به تأمین هزینه مسکن، مقاوم‌سازی مسکن و اشتغال.

۳- توانمندسازی و اجرای برنامه‌های حمایت اجتماعی.

تبصره ۱- آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل چگونگی شناسایی جامعه هدف، تشکیل و به هنگام‌سازی پایگاه‌های اطلاعاتی مورد نیاز، نحوه پرداخت به جامعه هدف و پرداخت‌های موضوع این ماده حداکثر، سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد وزرای امور اقتصادی و دارایی، رفاه و تأمین اجتماعی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- دولت می‌تواند حساب هدفمندسازی یارانه‌ها را به نام سرپرست خانوارهای مشمول یا فرد واجد شرایط دیگری که توسط دولت تعیین می‌شود افتتاح نماید. اعمال مدیریت دولت در نحوه هزینه کرد وجوه موضوع این حساب از جمله زمان مجاز، نوع برداشت هزینه‌ها و برگشت وجوهی که به اشتباه واریز شده‌اند مجاز است.

ماده ۹- دولت مکلف است صندوق هدفمندی سازی یارانه ها را با شرایط زیر تشکیل دهد:
الف - صندوق توسط هیأت امنائی به ریاست رئیس جمهور (یا معاون اول وی) و مرکب از وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر رفاه و تأمین اجتماعی و معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور اداره می شود. دو نماینده مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان ناظر با انتخاب مجلس شورای اسلامی در هیأت امناء صندوق شرکت می کنند.

ب - صندوق دارای شخصیت حقوقی مستقل و استقلال اداری و مالی است و به صورت مؤسسه عمومی غیردولتی، طبق مقررات اساسنامه و سایر قوانین و مقررات مربوط اداره می شود و وظیفه و اختیار دارد، و جوجه حاصل از اجرای این قانون را اخذ و به مصارف مقرر در این قانون برساند.

ج - اساسنامه صندوق شامل ارکان، اعضاء، وظایف، اختیارات مدت فعالیت و سایر مقررات حاکم بر اداره آن به پیشنهاد هیأت امناء، به تصویب هیأت وزیران می رسد.

د - صندوق صرفاً دارای واحد ستادی و متمرکز بوده و شعبه یا واحد وابسته ای نخواهد داشت.

ه - اعتبارات و کارکنان مورد نیاز اداره صندوق از محل کاهش اعتبارات و کارکنان دستگاه های اجرایی تأمین می گردد.

تبصره ۱- دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، مکلفند تمامی منافع حاصل از اصلاح قیمت های مشمول این قانون را به حساب صندوق واریز کنند.

تبصره ۲- ۱۰۰ درصد جوجه واریزی به صندوق به شرح سرفصل های مندرج در مواد (۵)، (۶) و (۸) این قانون با تصویب هیأت امناء اختصاص می یابد.
تبصره ۳- منابع پرداختی صندوق به اشخاص حقیقی و حقوقی با تشخیص هیأت امناء کمک تلقی می شود.

تبصره ۴- صندوق مکلف است، گزارش عملکرد سالانه را به هیأت وزیران جهت ارسال به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

تبصره ۵- صندوق هدفمندی سازی یارانه ها، جزء اشخاص مشمول ماده (۲) قانون مالیات های

ماده ۹- دولت مکلف است ۳۰ درصد خالص جوجه حاصل از اجرای این قانون را برای پرداخت کمک های بلاعوض، یا یارانه سود تسهیلات و یا جوجه اداره شده برای اجرای موارد زیر هزینه کند:

الف - بهینه سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی، خدماتی و مسکونی و تشویق به صرفه جویی و رعایت الگوی مصرف که توسط دستگاه اجرایی ذی ربط معرفی می شود.

ب - اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره وری انرژی، آب و توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر.

ج - جبران بخشی از زیان شرکت های ارائه دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده های نفتی و شهرداری ها و دهرداری ها ناشی از اجرای این قانون.

د - گسترش و بهبود حمل و نقل عمومی در چارچوب قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت و پرداخت حداکثر تا سقف اعتبارات ماده (۱۰) قانون مذکور.

ه - حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی.

و - حمایت از تولید نان صنعتی.

ز - حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی.

ح - توسعه خدمات الکترونیکی تعاملی با هدف حذف و یا کاهش رفت و آمدهای غیرضرور.

تبصره - آیین نامه اجرائی این ماده شامل چگونگی حمایت از صنایع، کشاورزی و خدمات و نحوه پرداخت های موضوع این ماده حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، بازرگانی، نفت، نیرو، کشور، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن، اتاق تعاون و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیأت وزیران می رسد.

	<p>مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن محسوب می‌شود.</p> <p>تبصره ۶- کمک‌های نقدی و غیرنقدی ناشی از اجرای این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی از پرداخت مالیات بر درآمد موضوع قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن معاف است. کمک‌های مزبور به اشخاص مذکور بابت جبران تمام یا قسمتی از قیمت کالا یا خدمات عرضه شده توسط آنها مشمول حکم این تبصره نخواهد بود.</p>
<p>ماده ۱۰ (الحاقی کمیسیون) - منابع موضوع مواد (۸) و (۹) این قانون اعم از کمک‌ها، تسهیلات و وجوه اداره شده از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و غیردولتی در اختیار اشخاص مذکور قرار خواهد گرفت.</p>	<p>ماده ۱۰- تنخواه مورد نیاز اجرای این قانون تا سقف یک دوازدهم از سرجمع بودجه عمومی سنواتی تأمین می‌شود و از محل منابع حاصل از اجرای این قانون در طول سال مستهلک می‌شود.</p>
<p>ماده ۱۱- دریافت کمک‌ها و یارانه‌های موضوع مواد (۸) و (۹) این قانون منوط به ارائه اطلاعات صحیح می‌باشد. در صورت احراز عدم صحت اطلاعات ارائه شده، دولت مکلف است ضمن جلوگیری از ادامه پرداخت، در خصوص استرداد وجوه پرداختی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورد. اشخاص در صورتی که خود را برای دریافت یارانه‌ها و کمک‌های موضوع مواد (۸) و (۹) محق بدانند، می‌توانند اعتراض خود را به کمیسویی که در آیین‌نامه اجرایی این ماده پیش‌بینی می‌شود، ارائه نمایند. آیین‌نامه اجرایی این ماده حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این قانون توسط وزراء دادگستری، امور اقتصادی و دارایی، رفاه و تأمین اجتماعی و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</p>	<p>ماده ۱۱- جایه‌جایی وجوه حاصل از اجرای این قانون در مواد (۵)، (۶) و (۸) تا حداکثر ده واحد درصد توسط دولت مجاز است، به طوری که کل وجوه حاصل در موارد پیش‌بینی شده در این قانون مصرف شود.</p>
<p>ماده ۱۲- دولت مجاز است تا ۲۰ درصد خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه‌کند.</p>	<p>ماده ۱۲- دولت مجاز است، در راستای اجرای این قانون در سال ۱۳۸۷، وجوه حاصل را به ردیف درآمدی مربوط مندرج در قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور واریز و معادل صد در صد اعتبار تحت عنوان «اعتبارات موضوع هدفمندسازی حامل‌های انرژی (درآمد هزینه)» را هزینه کند.</p>
<p>ماده ۱۳- دولت مکلف است تمام منابع حاصل از اجرای این قانون را به حساب خاصی به نام هدفمندسازی یارانه‌ها نزد خزانه‌داری کل واریز کند. ۱۰۰ درصد وجوه واریزی در قالب قوانین بودجه سنواتی برای موارد پیش‌بینی شده در مواد (۸) و (۹)</p>	<p>ماده ۱۳- الزام افزایش حقوق کارکنان دولت موضوع ماده (۱۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مواد (۶۴) و تبصره آن و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۴۱) قانون</p>

<p>و (۱۲) این قانون اختصاص خواهد یافت.</p> <p>تبصره ۱- دولت مکلف است اعتبارات منابع و مصارف موضوع مواد مذکور را در سه جدول مستقل در لایحه بودجه سنواتی درج کند.</p> <p>تبصره ۲- کمک‌های نقدی و غیرنقدی ناشی از اجرای این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی از پرداخت مالیات بر درآمد موضوع قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن معاف است. کمک‌های مزبور به اشخاص مذکور بابت جبران تمام یا قسمتی از قیمت کالا یا خدمات عرضه شده توسط آنها مشمول حکم این تبصره نخواهد بود.</p> <p>تبصره ۳- دولت مکلف است گزارش تفصیلی این ماده را هر شش ماه به دیوان محاسبات کشور و مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.</p>	<p>کار از زمان اجرای این قانون موقوف‌الاجرا خواهد شد و تمامی قوانین مغایر با این قانون از زمان ابلاغ، لغو می‌شود. سایر آیین‌نامه‌های اجرایی مورد نیاز این قانون حداکثر پس از دو ماه به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.</p>
<p>ماده ۱۴- تنخواه مورد نیاز اجرای این قانون در تنخواه بودجه سنواتی منظور و از محل منابع حاصل از اجرای این قانون در طول سال مستهلک می‌شود.</p>	<p>ماده ۱۴- دولت مجاز است معافیت مالیاتی موضوع ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم را علاوه بر افزایش سالانه آن، متناسب با تغییر و اصلاح قیمت‌های موضوع این قانون با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی طی پنج سال حداکثر تا دو برابر افزایش دهد.</p>
<p>ماده ۱۵- به دولت اجازه داده می‌شود ظرف مدت یک ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، سازمانی با ماهیت شرکت دولتی به نام سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها با استفاده از منابع (امکانات، نیروی انسانی و اعتبارات) موجود، جهت اجرای این قانون با لحاظ قانون برنامه ایجاد کرده یا با اصلاح ساختار و ادغام شرکت‌های موجود تأسیس نماید. دولت مجاز است وجوه حاصل از اجرای این قانون را که به خزانه واریز می‌شود، عیناً پس از وصول و کسر سهم دولت موضوع ماده (۱۱) به طور مستمر برداشت و به عنوان کمک صرفاً جهت اجرای اهداف و تکالیف مقرر در مواد ۷ و ۸ این قانون در اختیار سازمان قرار دهد تا برابر آن هزینه کند. سازمان به صورت متمرکز اداره می‌شود و صرفاً مجاز به داشتن واحدهای ستادی، برنامه‌ریزی و نظارت در مرکز می‌باشد. وزرای رفاه و تأمین اجتماعی، امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، راه و ترابری، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، نفت، نیرو و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور عضو مجمع عمومی سازمان می‌باشند. اساسنامه شرکت شامل ارگان، وظایف و اختیارات، توسط</p>	<p>پژوهشگاه علوم انسانی رتال جامع علم</p>

<p>وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. وجوه و اعتبارات موضوع این قانون از جمله مواد ۱۲ و ۱۵ مانند سایر شرکت‌های دولتی در بودجه کل کشور منعکس می‌شود و به جز اختیارات و مجوزهای موضوع این قانون از جمله مواد ۲ و ۱۴ تغییر در سقف اعتبارات شرکت در طول سال با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس مجاز می‌باشد. وجوه مانده سازمان از هر سال در سال بعد قابل مصرف است و سازمان در هر سال می‌تواند برای سؤالات بعد در چارچوب این قانون تعهد ایجاد نماید. اعتبارات موضوع این قانون مشمول قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی هستند مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۶ می‌باشد. سازمان مکلف است گزارش عملکرد، دریافت و پرداخت منابع حاصل از هدفمندسازی یارانه‌ها را به تفکیک مواد ۷ و ۸ در پایان هر شش ماه در اختیار کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و سایر کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی قرار دهد. دیوان محاسبات کشور مکلف است در مقاطع شش‌ماهه گزارش عملیات انجام شده توسط سازمان را بر اساس اهداف پیش‌بینی شده در این قانون به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.</p>	
<p>ماده ۱۶- دولت مجاز است، در راستای اجرای این قانون، وجوه حاصل را به ردیف درآمدی مربوط مندرج در قانون بودجه واریز و معادل صد در صد اعتبار تحت عنوان «اعتبارات موضوع هدفمندسازی یارانه‌ها (درآمد هزینه)» را هزینه کند.</p>	<p>شورای عالی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات</p>
<p>ماده ۱۷- دولت مجاز است از ابتدای سال ۱۳۸۹ معافیت مالیاتی موضوع ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم را علاوه بر افزایش سالانه آن، متناسب با تغییر و اصلاح قیمت‌های موضوع این قانون با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی طی پنج سال حداکثر تا دو برابر افزایش دهد.</p>	

منابع:

- قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور، ناشر معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور
- هفته نامه خبری تحلیلی وزارت امور اقتصاد و دارائی، سال هشتم، شماره ۲۶۹، شنبه ۱۳۸۸/۸/۲
- لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، دولت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷
- قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸
- قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور،
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی